



نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸

صفحات: ۱-۱۱

10.52547/mmi.53.14031108 

بازشناسی نقش مؤلفه‌های نئولیبرالیسم و آینده‌پژوهی در رویکرد حفاظت نوین به میراث معماری و مناظر شهرهای تاریخی

بهنام پدram*

چکیده

مؤلفه‌های تأثیرگذار در دنیای حفاظت از میراث باید بر مبنای رویکردهای نوین مورد بازنگری مفهومی قرار گیرند؛ چراکه شواهد نشان می‌دهند کشورهای در حال توسعه، به شدت در حال خدشه وارد کردن بر منظر تاریخی شهرها هستند؛ البته برخی از شهرهای توسعه‌یافته نیز از این موضوع مستثنی نیستند. نئولیبرالیسم در نیم‌قرن گذشته با برافراشتن سازه‌هایی در حریم منظر فرهنگی هسته‌های تاریخی، به شکلی ویرانگر در تخریب مناظر شهری تاریخی کوشیده است. لذا ضرورت دارد تا معمار-حفاظت‌گران با رویکردی آینده‌نگارانه عوامل تغییر را در جوامع بررسی کنند و در طرح‌های حفاظتی خود، آن‌ها را به عنوان یک متغیر مهم تأثیرگذار مد نظر قرار دهند. این مقاله، رویکردی مروری-مفهومی دارد و از تحلیلی کیفی بهره‌مند است. هدف اصلی که به آن پرداخته، بررسی نقش نئولیبرالیسم بر وضعیت مناظر شهری تاریخی و چگونگی نقش استراتژی آینده‌پژوهی در مدیریت حفاظت است. بر مبنای هدف، مقاله درصدد رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها است: تأثیرات نئولیبرالیسم بر میراث معماری و مناظر شهری تاریخی چگونه بوده است؟، تأثیرات ناشی از این هم‌نشینی در آینده با چه سازوکاری باید مدیریت شود؟ در راستای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح‌شده، مؤلفه نئولیبرالیسم به عنوان عامل تأثیرگذار بر دامنه چپستی حفاظت از مناظر شهرهای تاریخی، بازشناسی شد تا بتوان به درک جامع‌تری از حفاظت میراث رسید. مؤلفه مذکور به قطع، از ضروریات درک عمیق موضوع حفاظت نوین است. در زمانی که نئولیبرالیسم نگاه حفاظتی را بیش از پیش اقتصادی کرده است، راه نجات از نفوذ بیشتر آن، داشتن یک استراتژی آینده‌پژوهانه است.

واژگان کلیدی: چپستی حفاظت نوین، میراث معماری، مناظر شهرهای تاریخی، نئولیبرالیسم حفاظتی، آینده‌پژوهی.

* دانشیار، گروه مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، اصفهان (نویسنده مسئول).

مقدمه

بیان مسئله

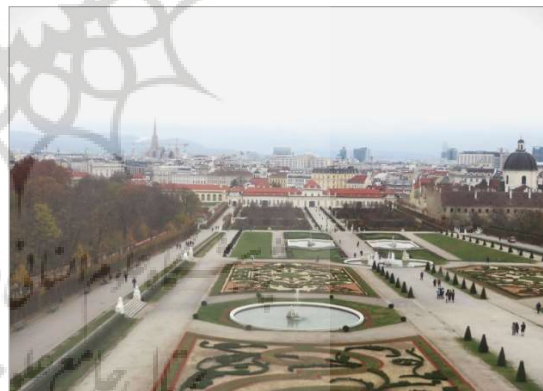
از گذشته تا کنون، بحث چيستی و فلسفه حفاظت مهم بوده و هست؛ تا حدی که یکی از کمیته‌های بین‌المللی ایکوموس "کمیته بین‌المللی نظریه و فلسفه حفاظت" نام گرفته است. حفاظت،^۱ مفهومی پویا دارد و به‌عنوان یک موضوع بینارشته‌ای، به‌طور مرتب اجزای نوینی به آن افزوده می‌شود. این اجزا، همان مؤلفه‌هایی هستند که باید در جهان حفاظت تفسیر شوند و جایگاه و نقش‌شان معرفی گردد. چون برخی از مؤلفه‌ها نقش منفی و برخی نقش مثبت ایفا می‌نمایند؛ نیاز است براساس نقشی که ایفا می‌کنند، به‌روزرسانی و تفسیر شوند. مؤلفه‌هایی مانند اقتصاد نئولیبرالیسم.^۲

باوجود تأثیرگذاری بسیار زیاد بر حفاظت از مناظر شهرهای تاریخی، از مؤلفه‌های کمتر پرداخته‌شده در ادبیات حفاظتی است. شواهد نشان می‌دهند کشورهای در حال توسعه به‌شدت در حال آسیب رساندن به منظر تاریخی شهرها هستند؛ البته

برخی شهرهای پیشرفته در کشورهای توسعه‌یافته نیز فارغ از این چالش نیستند. هرچند برخی بازسازی‌ها بر مبنای خواسته بخشی از جامعه و تحت تأثیر نئولیبرالیسم غربی حاکم بر اقتصاد جوامع به انجام می‌رسند اما چندان توجهی علمی ندارند. مانند بسیاری از بقایای ابنیه تاریخی که بدون داشتن شرایط تغییر کاربری اما به دلیل داشتن منافع اقتصادی، به امکان گردشگری تبدیل شده‌اند. اکثر شهرها و روستاهای دارای بافت تاریخی نیز از این موضوع بی‌نصیب نمانده‌اند. از طرف دیگر، نئولیبرالیسم طی نیم‌قرن گذشته با ساختن سازه‌هایی مرتفع و حجیم در حریم منظر فرهنگی هسته‌های تاریخی، به‌شکلی ویرانگر در تخریب مناظر شهری تاریخی کوشیده‌اند. مانند احداث هتلی مرتفع در حریم منظر مرکزی تاریخی باروک شهر وین در سال ۲۰۱۷ که در سال ۲۰۰۱ به ثبت جهانی رسیده بود (شکل ۱) و ارگ جهان‌نما (شکل‌های ۲ و ۳) در حریم منظر میدان نقش جهان اصفهان (پدram و قاسمیه، ۱۴۰۱: ۱۵۱-۹۱).

هدف و ضرورت پژوهش

بر مبنای بیان مسئله، هدفی که این پژوهش دنبال می‌کند، چيستی نئولیبرالیسم در راستای تأثیرات آن بر حفاظت از میراث معماری و منظر شهری بوده است. بر همین مبنای این مقاله ابتدا به مبحث چيستی حفاظت می‌پردازد و سعی می‌کند به فصل مشترک آن با نئولیبرالیسم، ورود نماید. ضرورت انجام این پژوهش در به‌روزرسانی مفاهیم کاربردی و شناخت نقش مؤلفه‌های آشکار و پنهان قدیم و جدید است. تحولات جوامع بشری مؤلفه‌ها را تغییر یا توسعه می‌دهند. در این زمینه، هم عناصر مؤخر، هم عناصر تأثیرگذار مثبت بر روند حفاظت، لازم است شناسایی و توصیف شوند. در این راستا ضرورت دارد تا معمار - حفاظت‌گران با رویکرد آینده‌نگارانه عوامل



شکل ۱. مخدوش شدن منظر فرهنگی مرکز تاریخی شهر وین ۲۰۱۷ با سازه‌های مرتفع (UNESCO, 2018)



شکل ۳. سازه ناهمگون ارگ جهان‌نما در بافت تاریخی اصفهان (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۲)



شکل ۲. روند مخدوش شدن منظر فرهنگی میدان نقش جهان با ارگ جهان‌نما با اهداف نئولیبرالیسمی (خبرگزاری مهر، ۱۳۸۸، عکس از احسان خسروی)

با استفاده از تکنیک یادداشت‌برداری و تحلیل عناصر بصری منظر، "توصیف کاملی از منظر شهری ارائه داده‌اند. همچنین، "باندیرین و ون اوئرز" (۱۳۹۸) در کتاب "منظر شهری تاریخی، مدیریت میراث در قرن شهری"، منظر شهری تاریخی را در مقیاسی جامع به نظم کشیده‌اند. مقاله "حاتمی‌نژاد و فرجی ملاتی" (۱۳۹۲) با عنوان "نئولیبرالیسم و تأثیر آن بر فضای شهری"، جزو اولین مطالبی است که به بحث آینده‌پژوهی در شهرهای کشور انگلستان پرداخته است. "سلاورزی‌زاده و همکاران" (۱۴۰۰) عوامل مؤثر بر توسعه شهر ایلام، "محمدی و بهبودی" (۱۴۰۰) برنامه‌ریزی حفاظتی عرصه ثبت جهانی یزد، و "محرابی، انصاری و رفیع‌یان" (۱۴۰۰) "پایداری میراث جهانی در شهر یزد"، و "پورقربان، ارغان و کرکه‌آبادی" (۱۴۰۱) "بافت تاریخی شهر تبریز را از منظر آینده‌پژوهی در شهرها و مدیریت بافت‌های باارزش تاریخی ایران" مورد تحلیل قرار داده‌اند. در همه این موارد به داشتن برنامه‌های استراتژیک و مدیریت هدفمند و جایگزینی روش آینده‌پژوهی به جای روش‌های سنتی، توجه شده است.

مقاله حاضر به دنبال توسعه نمونه‌های مطالعاتی نیست بلکه قصد توسعه و به‌روزرسانی مفاهیم برخی مؤلفه‌های تأثیرگذار مانند نقش آسیب‌رسان نئولیبرالیسم را بر روند حفاظت از میراث معماری و شهری، و همچنین، تأثیر امیدبخش علم میان‌رشته‌ای آینده‌پژوهی را در راستای کنترل نفوذ نئولیبرالیسم به گونه‌ای مستمر در آینده‌ای نزدیک دارد.

مبانی نظری پژوهش

نقطه صفر حفاظت^۵، فهم عمیق واژه حفاظت می‌باشد. همه چیز در دنیای حفاظت، به این درک عمیق وابسته است. دانش حفاظت از میراث، یک مبحث میان‌رشته‌ای است. نقطه صفر به یک توصیف نیاز دارد که ضمن عملیاتی بودن، دارای بنیادهای فلسفی نیز باشد (پدرام و قاسمیه، ۱۴۰۱: ۸). "پروفیسور فیلدن" در توصیف حفاظت می‌نویسد: «حفاظت عملی است که برای جلوگیری از فرسایش و مدیریت تغییرات به‌طور پویا انجام می‌شود.» (فیلدن، ۱۳۹۸: ۲۲). "حفاظت"، مجموعه‌ای از عملیات مختلف براساس ضرورت‌هاست؛ عملیاتی مانند حفظ و نگهداری،^۶ مرمت،^۷ آناستیلوزی،^۸ بازسازی،^۹ احیا،^{۱۰} و تغییر کاربری،^{۱۱} بر این مبنا، حفاظت یک کل است و دیگر واژه‌های تخصصی را در بر می‌گیرد. در ماده ۱۴ منشور بورا^{۱۲} آورده شده: «حفاظت ممکن است که بنا به شرایط، این فرایندها را شامل شود: ابقا یا معرفی دوباره یک کاربری؛ ابقای پیوندها و مفاهیم؛ نگهداری، حفظ، مرمت، بازسازی،

تغییر را در جوامع کنکاش کنند و در طرح‌های حفاظتی خود به‌عنوان یک متغیر مهم تأثیرگذار، مورد نظر قرار دهند. بر این مبنا بخشی از هدف، آسیب‌شناسی اجتماعی و فرهنگی حفاظت میراث معماری و مناظر شهری تاریخی را مورد نظر قرار می‌دهد. اگر تحولات چند دهه گذشته مدیریت نشوند، شواهد حکایت‌گر آینده‌ای ناخوشایند هستند.

پرسش پژوهش

تأثیرات هم‌نشینی حفاظت مدرن با نفوذ نئولیبرالیسم در حفاظت از میراث معماری و مناظر شهری تاریخی چه بوده است؟، تأثیرات ناشی از این هم‌نشینی در آینده چگونه باید مدیریت شود؟

روش پژوهش

مقاله رویکردی مروری - مفهومی دارد و از تحلیلی کیفی بهره‌مند است. با بررسی ادبیات پژوهش، برخی از جنبه‌های کمتر دیده‌شده در مباحث قبلی را به بحث گذاشته شده است.

پیشینه پژوهش

"پروفیسور یوکیلتهو" در مقاله‌ای با عنوان "حفاظت مدرن چیست؟" که در سال ۲۰۱۵ به عنوان مشاور رییس موسسه ایکروم منتشر کرد، به بیان نگاه تحول‌یافته به حفاظت در پایان چهلمین سالگرد کنوانسیون میراث جهانی در ۲۰۱۲ با تأکید بر اهمیت نقش جامعه در حفاظت می‌پردازد؛ دیگر نمی‌توان حفاظت مدرن را در یک برج عاج تنهایی، که توسط متخصصان محافظت می‌شود، در نظر گرفت. حفاظت به بخشی از زندگی و واقعیت روزمره تبدیل شده است. در نتیجه، حفاظت الزاماً باید به چالش‌هایی هم که زندگی ایجاد می‌کند، پاسخ دهد (Jokilehto, 2015).

نکته کلیدی دیگر در ادامه ادبیات مفهوم حفاظت آن است که جنبش حفاظت ماهیت غربی^۴ دارد؛ این موضوع مورد تأکید بیشتر محققان تاریخ حفاظت معماری است؛ "گلندینینگ" نویسنده کتاب "جنبش حفاظت" (۲۰۱۳)، آن را پدیده‌ای مدرن و بخشی جدایی‌ناپذیر از مدرنیته غربی می‌داند. حفاظت در غرب بر ریشه‌های ملی‌گرایانه استوار بوده، اما نگهداری از میراث معماری در شرق از ابتدا با رویکردی متفاوت انجام شده است. بازسازی با بنیادهای اعتقادی، چارچوب آن را تعریف کرده است (هوشیاری، ۱۳۹۹ به نقل از Glendinning 2013: 66).

در بخش ادبیات منظر شهری، "منصوری" (۱۳۸۹) در مقاله "چیستی منظر شهری"، و "قلعه‌نویی و همکاران" (۱۳۹۶) در مقاله "سنجش کیفیت منظر مسیرهای پیاده



سازگارسازی و تفسیر؛ و معمولاً ترکیبی بیش از یک مورد را دربر خواهد داشت.» (پدram و هوشیاری، ۱۴۰۲: ۸۴)

در سال‌های جنگ جهانی اول و نخستین سال‌های پس از اتمام آن، در آلمان عقاید هم‌خوان با مبانی عقیدتی راسکین،^{۱۳} موری،^{۱۴} و جیووانونی،^{۱۵} طنین‌انداز شده بود. در ۱۹۱۴ جورج دیو^{۱۶} «حفظ آثار تاریخی» و «مرمت آثار تاریخی» را دختران آکلتیسیم^{۱۷} قرن نوزده نامید. ضمن آن‌که «حفظ میراث» را دختر قانونی و «مرمت میراث» را دختر غیرقانونی نامید. برای مدت طولانی این تئوری مطرح بود: حفظ کردن - آری، مرمت - نه (ریتساریف و شنکف، ۱۳۹۴: ۱۸). این تقابل اندیشه‌ها و واژه‌ها امروزه نیز همچنان در برخی از جوامع وجود دارد چراکه نگاه به چگونگی حفظ ارزش‌های میراثی در جوامع، متفاوت است. توصیف کلیت حفاظت در مقیاس جهانی پذیرفته شده اما به اجرا در آوردن اجزای حفاظت در عمل، متفاوت شده است. به عبارت دیگر، پاسخ به مسائل، بسته به نوع جامعه و جغرافیای آن یکسان نیست. ساخت‌وساز خیال‌پردازانه توسط مجریان طرح‌های حفاظت، با توجیهاتی همراه است. هرچند این توجیهات بنیاد علمی ندارند اما بر مبنای خواسته بخشی از جامعه و مدّ زمانه و تحت تأثیر نئولیبرالیسم غربی حاکم بر اقتصاد جوامع به انجام رسیده و می‌رسند. گرچه این رویکرد مدّگرایانه به شدت مورد انتقاد است اما اقتصاد نئولیبرالیسمی خالق و حامی آن است. اقتصاد سیاسی نئولیبرالیسم از دهه هفتاد قرن بیستم میلادی، به دنبال خصوصی‌سازی، حذف مالیات، کاهش هزینه‌های عمومی و قانون‌زدایی بوده (حاتمی‌نژاد و فرجی ملایی، ۱۳۹۲) و هست. ضمن اینکه، اقتصاد حفاظت را نیز در دست گرفته است.

در دهه آخر قرن بیستم و دهه آغازین قرن بیست و یکم، برخی از کشورهای شرق رویکرد حفاظت خود را متفاوت از برخی اصول مدون شده در آیین‌نامه‌های غرب، به تصویب رسانند و به صورت رسمی به آن عمل کردند. بدین ترتیب، تلاش میراث‌داران شرق به نتیجه می‌رسد و نگاه سازمان‌های جهانی با این رویکرد، به تعامل می‌انجامد؛ هم‌زمان با این جریان فرهنگی رویکردی دیگر از جنس سیاسی - اقتصادی در جریان بود که بر اساس میزان و نوع نیاز جوامع با ظاهری فرهنگی - اقتصادی، عملیات حفاظتی را در سیطره خود گرفته بود این رویکرد، همان نئولیبرالیسم است؛ در چنین حالتی، فضا برای فعالان اقتصادی گسترده‌تر می‌شود؛ آن‌ها در همراهی با نگرش نئولیبرالیسم، به ساخت‌وسازهای خیال‌پردازانه^{۱۸} مانند آنچه در برخی سایت‌های بوم‌گردی - با دخل و تصرف‌های غیرمنطقی در شواهد تاریخی - رواج یافته، بیشتر اقدام

می‌کنند. در این میان، دامنه گسترده نگرانی از وضعیت منظر شهرهای تاریخی در آینده، گریبان‌گیر متخصصان شده است. به همین دلیل، مطالعات میان‌رشته‌ای حوزه‌های آینده‌پژوهی و مدیریت تغییر، پا به میدان مطالعات حفاظتی گذاشته است.

یافته‌ها و تحلیل

نقش نئولیبرالیسم در مخدوش کردن مناظر شهرهای تاریخی

اصطلاح نئولیبرالیسم برگرفته از کلمه لیبرالیسم و ریشه لاتین Liber، به معنای آزادی فردی است. لیبرالیسم نو از دهه ۱۹۷۰ با بروز انقلاب در زمینه تکنولوژی ارتباطی، امکان انتقال و گسترش سریع تر اطلاعات و یافته‌ها به سراسر جهان، در پی آن تقویت جامعه مدنی جهانی و ظهور شهروند آگاه جهانی، پدید آمد (حاتمی‌نژاد و فرجی ملایی، ۱۳۹۲ به نقل از تقوایی و سروری، ۱۳۸۴: ۱۵۸). پس از دگرگون شدن نوع رابطه و تعامل میان دولت، سرمایه و نیروی کار در دهه ۱۹۷۰، و افزایش تقاضا برای نظام نوین اقتصاد سیاسی در پی شکست لیبرالیسم درونی‌شده که موجب زیر سؤال رفتن کارآمدی دولت رفاه و سیاست‌های حمایت‌گرایانه پس از جنگ شد، نئولیبرالیسم به عنوان پروژه‌ای جدید به منظور ترسیم و سامان بخشی نظام اقتصاد بین‌المللی متولد گشت (سلیمانی، ۱۳۸۵). در این رویکرد، دولت کوچک ترین مقیاس را داراست. بحث فعالیت آزاد لیبرالیسم نو یا همان نئولیبرالیسم که نشانگر پایان اقتدار دولت هاست این ادعاها را مطرح می‌سازد: عملیات آزاد اقتصادی به دور از قید و بندهای نظارتی؛ قدرت تحرک شرکت‌ها مستقل از دولت؛ گشایش بازارهای تازه و عوامل غیردولتی؛ جهانی شدن (فصیحی، ۱۳۸۰).

جهان حفاظت از دو دهه آخر قرن بیستم تا امروز، شاهد موارد بازسازی‌های خیال‌پردازانه تحت تأثیر نئولیبرالیسم و البته کاپیتالیسم^{۱۹} بوده است؛ این دو مکتب اقتصادی - سیاسی با هم برج‌ها را در حریم بافت‌های تاریخی می‌سازند و از طرفی، بسیار زیرکانه به ظاهر به نجات ویرانه‌های تاریخی از طریق بازسازی خیال‌پردازانه جهت درآمدزایی می‌پردازند و شواهد تاریخی آن‌ها را نابود می‌کنند. از این رو باید گفت خصوصی‌سازی حفاظت میراث تحت سیطره نئولیبرالیسم اتفاق افتاده است، پس نمی‌توان امروز واژه "حفاظت نئولیبرالیسمی"^{۲۰} را در چارچوب حفاظت، نادیده گرفت.

در طی گذشت زمان، نئولیبرالیسم در حفاظت، به دستورزانی متفاوت از دستوربان علمی حفاظت معماری و شهرهای میراثی دست یافته است. دستوری کالبدی‌شده

انسان در صدد درک محیط بر می آید. این ارتباط به گونه ای است که حذف هریک فهم منظر را دچار مشکل می سازد. همچنین، دانستن این نکته ضروری را مطرح می کند که منظر، موجودی است زنده و پویا که از یک سو متأثر از انسان و نحوه ارتباط او با محیط است و از سوی دیگر، تداعی خاطراتی است که در زمان های طولانی در بستر محیط روی داده و بر ارتباط انسان و منظر تأثیر گذاشته و به دنبال آن، فرهنگ و تمدن آدمیان را تغییر داده است (ماهان و منصوری، ۱۳۹۶). و در توصیف "منظر شهری" این گونه آورده شده است: منظر شهری که تبلور سه بعد احساسی، فرهنگی و اکولوژی است، در شهرهای تاریخی سبب پایداری رابطه انسان با شهر و حیات بخشی به آن می شود. در واقع، منظر شهری اولین چیزی است که افراد آن را درک می کنند. بنابراین می توان با ساماندهی منظر شهری بافت های تاریخی، حدود نیمی از راه را برای بازآفرینی بافت های تاریخی پیمود (قلعه نویی و همکاران، ۱۳۹۶). منصوری منظر شهری را این گونه قابل فهم تر می کند: منظر شهری ادراک شهروندان از شهر است که از خلال نمادهای آن به دست می آید. وابستگی فهم منظر با سابقه حضور در شهر، موجب می شود تا لایه هایی مختلف برای منظر تشخیص داده شود. شهر برای گردشگران که هیچ تجربه ای از نمادهای آن ندارند، چیزی جز کالبد نیست. اما وجود نمادها که حادثه ها و خاطره های شهروندان را از فضا نمایندگی می کنند، بیان کننده تاریخ و نقاط پراهمیت شهر برای ساکنان آن است. در توصیف دیگری، نقش منظر شهری در ارتباط با فضاهای تاریخی چنین بیان شده است: تفسیر منظر شهر، تحولات تاریخی شهر و ذهنیت شهروندان را رمزگشایی می کند؛ به شرط آنکه رد پای تاریخ بر صورت شهر باقی مانده باشد. اگرچه منظر شهر براساس اصالت بعد معنایی شهر پدید آمده اما کارکردها و کالبد شهر، ابزار کنترل و هدایت منظر شهر است. در نتیجه منظر شهری، دانش شناخت مفهوم شهر نزد شهروندانی است که در طول تاریخ در آن محیط زیسته اند و با کالبد های طبیعی و مصنوع محیط ارتباطی معنایی تولید کرده اند که در تداوم حیات معقول آن ها، نقشی اساسی دارد (منصوری، ۱۳۸۹).

توصیه درباره منظر شهری تاریخی،^{۲۲} دستاورد گردهمایی سال ۲۰۱۱ ایکوموس است که به عنوان ابزاری برای ادغام سیاست ها و اقدامات حفاظت از محیط های تاریخی و اهداف توسعه شهری، مورد استفاده و تصویب قرار گرفت. اکنون نیز به عنوان سرآغاز توسعه مفهوم منظر شهری تاریخی، محسوب می شود. در این توصیه نامه، تأکید شده است که از زمان توصیه های اولیه در سال ۱۹۷۶ تا به امروز، شرایط تغییر

برای اهداف اقتصادی بخش خصوصی که صرفاً به دنبال کسب درآمد بیشتر بر پایه جذب گردشگر غیر فرهنگی، از طریق پدید آوردن یک زیبایی کاذب است. با این رویکرد، شواهد اصیل در شهرهای تاریخی تخریب می شوند. شروع این نوع رویکردها را می توان به رویکرد ویوله لودوک^{۲۱} متصل کرد، ولیکن تکامل آن از دهه های آخر قرن بیستم آغاز می شود و در قرن بیست و یکم ادامه می یابد.

نئولیبرالیسم در فضا و منظر شهری

تعاریف متعددی از فضا تاکنون در منابع ارایه شده است؛ ولیکن آنچه به محتوای بحث نزدیک است، این گونه می گوید: «فضای شهری به مفهوم صحنه ای است که فعالیت های عمومی زندگی شهری در آن به وقوع می پیوندد. خیابان ها، میادین و پارک های یک شهر، فعالیت های انسانی را شکل می دهند. فضاهای پویا در مقابل فضاهای ثابت و بی تحرک محل کار و سکونت اجزای اصلی و حیاتی یک شهر را تشکیل داده و شبکه های حرکت، مراکز ارتباطی، و فضاهای عمومی بازی و تفریح را در شهر تأمین می کنند.» (بحرینی، ۱۳۷۷: ۳۱۳) فضای شهری محصول تفکرات انسان های ساکن در آن است. توسعه فرهنگی، که بیشتر در جوامع رو به پیشرفت پدیدار می شود، این جوامع را به اجرای سیاست ها تشویق می کند (حاتمی نژاد و فرجی ملایی، ۱۳۹۲ به نقل از: تومه، ۱۳۷۸: ۱۲۴) که فضای شهری خاصی ایجاد می کنند. فضای شهری خلق شده ساکنانش را به پیروی از نوع خاصی از تفکر برنامه ریزی هدایت می کند. می توان گفت فضاهای شهری لایه هایی از محیط خلق شده و اشکال اجتماعی هستند، که فضای طبیعی را دگرگون ساخته و روی آن جای می گیرند، با گذشت زمان انباشته می شوند، و همگی در کنار هم فضای شهری را می سازند (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۵۴). فضای شهری در هر دوره زمانی، متناسب با افکار و نگرش های حاکم بر آن است. آن چنان که در برهه هایی از زمان با ظهور نئولیبرالیسم، با درآمدهای نابرابر در اکثر کشورها همراه می شود و کشورها را دچار تغییرات فضایی گسترده ای می کند، مانند کشورهای آسیای شرقی (حاتمی نژاد و فرجی ملایی، ۱۳۹۲ به نقل از: Rodrik, 2002).

و اما در ارتباط با منظر، ماهان و منصوری (۱۳۹۶) در بخش نتیجه گیری مقاله "مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب نظران رشته های مختلف" در یک پاراگراف، جمع بندی خوبی در توصیف واژه "منظر" ارایه داده اند. آن ها منظر را با این مفهوم معرفی می کنند: منظر وابسته به دو عنصر اصلی است، اول "محیط" و دوم "انسان". محیط انسان را در بر می گیرد و

کرده است و شهرهای تاریخی، اکنون موضوع تحولات شهری جدید هستند ولیکن منظر شهری تاریخی در شهرهای تاریخی حفاظت نمی‌شود (UNESCO, 2011) و ریاحی مقدم، (۱۳۹۱). منظر شهری تاریخی، که در نیمه دوم دهه هفتاد قرن بیستم به پیشنهاد یونسکو در رابطه با صیانت و نقش معاصر مناطق تاریخی، ایجاد شد، به مجموعه‌ای از گروه ساختمان‌ها، سازه‌ها و فضاهای باز در بستر طبیعی و زیست‌محیطی خود، از جمله مکان‌های باستان‌شناسی و فسیل‌شناسی اشاره می‌کند. چنین مجموعه‌ای تشکیل‌دهنده سکونت انسان‌ها در یک محیط شهری طی دوره‌ای از زمان بوده و با همبستگی و ارزشی که از نظر باستان‌شناسی، معماری، ماقبل تاریخی، تاریخی، علمی، زیبایی‌شناسی، اجتماعی - فرهنگی و یا زیست‌محیطی دارند، شناخته می‌شوند (باندیرین و ون اوئرز، ۲۰۱۲: ۶۹). در بندهای ۸ و ۹ توصیه‌نامه منظر شهری آورده شده است: منظر شهری تاریخی، منطقه‌ای شهری است که به‌عنوان پیامد لایه‌بندی تاریخی از ارزش‌ها و خصوصیات فرهنگی و «مجموعه» یا «مرکز تاریخی» طبیعی، فراسوی اندیشه گسترش یافته و بستر گسترده‌تر شهری و محیط جغرافیایی آن را نیز در بر گرفته است. این مفهوم گسترده‌تر به‌طور قابل ملاحظه‌ای شامل چنین مواردی می‌شود: ویژگی‌های توپوگرافی، ژئومورفولوژی، هیدرولوژی، و طبیعی محوطه‌ها، محیط ساخته‌شده آن چه معاصر و چه تاریخی، زیرساخت‌های بالا و پایین زمین، فضاهای باز و باغ‌ها، الگوهای کاربری سرزمین و سازماندهی فضایی، ادراکات و ارتباطات بصری، و همچنین تمامی دیگر عناصر ساختار شهری. ضمن اینکه، تجارب و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، فرایندهای اقتصادی و ابعاد ناملموس میراث مرتبط با تنوع و هویت را هم در بر می‌گیرد (UNESCO, 2011)؛ علیزاده و خان‌محمدی، (۱۳۹۲). حفاظت از منظر شهری تاریخی با واژه «مدیریت تغییر» گره خورده است. مفهوم

تغییر به‌واسطه آلوپس ریگل^{۲۳} وارد بحث حفاظت شد؛ تغییر می‌تواند به بهتر شدن یا بدتر شدن وضعیت بیانجامد و این، به شاخص‌های انتخابی بستگی دارد. خواه‌ناخواه تغییر رخ می‌دهد، چه تغییر اقلیم، چه تغییر فرهنگی و چه تغییر در ساختار جمعیت (باندیرین و ون اوئرز، ۱۳۹۶: ۱۲۲).

روند ویرانگر نئولیبرالیسم ضرورت پژوهش آینده‌نگارانه را ایجاد می‌کند. نئولیبرالیسم تا کجا پیش خواهد رفت؟ (شکل‌های ۴ و ۵) آینده حفاظت، نیازمند انجام پژوهش‌هایی بر مبنای مولفه قدرتمند ضرورت تغییر و مدیریت اثربخش آن، است. **رویکرد آینده‌پژوهی^{۲۴} در حفاظت از مناظر تاریخی شهرها**

در توصیف عمومی، آینده‌پژوهی می‌تواند روشی علمی و تجربی برای درک و فهم آینده باشد (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲: ۲۸). تعریف دقیق‌تر از آینده‌پژوهی یا آینده‌نگاری، چنین آورده شده است: «فرایندی سیستماتیک، مشارکتی و گردآورنده ادراکات در خصوص آینده است که معمولاً چشم‌اندازی میان‌مدت تا بلندمدت را با هدف اتخاذ تصمیمات روزآمد و بسیج اقدامات مشترک بنا می‌سازد.» (پورقربان، ارغان و کرکه‌آبادی، ۱۴۰۱ به نقل از: پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۹: ۷۳). آینده‌پژوهی، نحوه مواجهه و آمادگی در برابر حالت‌های مختلف یک رخداد در آینده است. نگاه به آینده و ترسیم چشم‌انداز توسعه شهری، همواره از جمله مسایل پیش روی برنامه‌ریزان و مدیران شهری بوده است (سلاروزی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰). اهمیت استفاده از رویکردهای آینده‌پژوهی در مطالعات برنامه‌ریزی و مخصوصاً برنامه‌ریزی شهری از آنجا آغاز شد که با افزایش تغییرات و دگرگونی‌ها در اواخر هزاره دوم و ظهور پیاپی مسایل جدید در جامعه جهانی، انکا به روش‌های برنامه‌ریزی مبتنی بر پیش‌بینی، جواب‌گوی نیاز



شکل ۵. ساخت‌وساز در حریم ابنیه شاخص تاریخی در کاشان (خبرگزاری صمانوز، ۱۴۰۳، عکس از وحید مؤمن‌زاده)



شکل ۴. روند مخدوش شدن منظر فرهنگی پل خواجه در اصفهان (خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۹)

وقوع پیوست که شیوه زندگی انسان را به کلی دگرگون کرد. نخبگان اروپایی پیشرو که در آغاز، به ابداع "مدیریت اثربخش تغییر" می‌اندیشیدند و لازمه آن را پیش‌بینی تغییرات بعدی می‌دانستند، نخستین اندیشمندانی بودند که پرچم آینده‌پژوهی مدرن را برافراشتند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۵، نسخه دیجیتال فیدیبو).

آینده‌پژوهی شهری در جست‌وجوی آرمان‌شهری است که فیلسوفان یونان باستان نیز متناسب با زمان و رویکرد خود، درباره آن سخن رانده‌اند. اگر آرمان‌شهر دیروز، شهری دارای نظم اجتماعی و اخلاق‌مدارانه یا دربردارنده نگاهی فیلسوفانه تعریف می‌شد، امروزه در جست‌وجوی شهری برنامه‌ریزی‌شده بر مبنای انرژی پایدار و بهره‌مند از ویژگی‌ها و مختصات هوش مصنوعی است. اما، آرمان‌شهر دارای منظر تاریخی کمال‌گرا تر از آن و دست‌نیافتنی‌تر جلوه می‌نماید. منظر تاریخی و فناوری انرژی پایدار در راستای حفاظت دوگانه یعنی میراث تاریخی و حفاظت زیست‌محیطی، پذیرش "مدیریت تغییر" را بر جسته می‌کند.

رویکرد منظر شهری، بازتاب یک قرن تحول در نظریه‌های مربوط به مدیریت میراث شهری است. این رویکرد، تأیید می‌کند که مدیریت میراث هم از جنبه‌های نظری و هم در عمل، به سمت یک تغییر رویه مبتنی بر منظر، اتخاذ مفاهیمی مانند میراث ناملموس، محیط و زمینه، و توسعه پایدار شهری، پیش می‌رود (Loes Veldpaus et al., 2013).

حفاظت منظر شهری به عنوان رویکردی بین‌رشته‌ای از دیدگاه معنا، ارتباط اثر معماری را با منظر پیرامونی در سه زمان گذشته، حال و آینده درهم تنیده است. بدین گونه که یک بنا را به تنهایی محور حفاظت قرار نمی‌دهد بلکه بنا را در یک بستر گسترده مانند منظر شهر، مشاهده می‌کند. لذا حفاظت از بنا با یک استراتژی بزرگ‌تر یعنی حفاظت از منظر شهری، ادغام می‌شود. محصول این استراتژی، یک پلان مدیریتی است که برای اجرایی شدن نیازمند یک ضمانت اجرایی قدرتمند و همه‌گیر است. بر این مبنای بقای مناظر شهری منوط به اجرای ضابطه‌مند پلان مدیریتی تعریف شده بر اساس اصول استراتژی آینده‌پژوهی، خواهد بود.

مدیریت نبود و سایه سنگین عدم قطعیت‌ها و ظهور رویدادهای ناپیوسته و شگفت‌انگیز، وضعیت را به گونه‌ای دگرگون کرده بود که پیش‌بینی آینده در دنیای پر تحول شهرها برای برنامه‌ریزان، امری مشکل به نظر رسید (پورقربان، ارغان و کرکه‌آبادی، ۱۴۰۱ به نقل از: Bibri, 2020:3). به‌طور کلی می‌توان گفت به دلیل ماهیت پویای شهرها اثرگذاری مؤلفه‌ها بسیار مشکل و تاحدودی ناممکن است. بازآفرینی بافت‌های باارزش تاریخی در شهرها نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این زمینه، هدف آینده‌پژوهی شناسایی مؤلفه‌های کلیدی و شناسایی روابط بین مؤلفه‌ها به منظور افزایش ضریب موفقیت برنامه‌ها است (پورقربان، ارغان و کرکه‌آبادی، ۱۴۰۱ به نقل از: سلاورزی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۹۳).

دکتر زیاری می‌نویسد: «آینده‌پژوهی در پی ارتقای جایگاه انسان در رویکرد به آینده، ساده کردن پیچیدگی‌ها و فراهم آوردن بستری برای ظهور توانایی‌های بشری در همه ابعاد و زمینه‌ها است. در این میان شهر به منزله قالب اصلی زیستن در قرن بیست و یکم عرصه ظهور و بروز پیچیده‌ترین رخدادهای بشری و ابهام‌آمیزترین آینده‌های پیش روی بشر است.» (زیاری و همکاران، ۱۳۹۵، نسخه دیجیتال فیدیبو)

در حفاظت از میراث، روند گذشته، موجودیت فعلی، و احتمالات آینده، سه رکن اساسی به حساب می‌آیند؛ در نتیجه برنامه‌ریزی حفاظت بر مبنای "پدیده‌های گذشته"، "وضعیت کنونی" و "تحقق هدف‌های معین" صورت خواهد پذیرفت. آینده، مهم‌ترین بُعد زمانی در آینده‌پژوهی است. درباره آینده رویکردهای مختلفی وجود دارد: دیدگاه "منفعل" که تسلیم و منتظر آینده است؛ دیدگاه "کنشگر" که تلاش برای سازگار شدن با آنچه رخ می‌دهد، در بر می‌گیرد؛ و تلاش برای ساختن آینده بهتر (همان). در آغاز هزاره سوم، علم آینده‌نگاری علاوه بر تحلیل روندهای گذشته، به ابداع و ارزیابی آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب نیز دست یافت (سلاورزی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۰). ضرورت دارد تا به زیرگروه مهم آینده‌پژوهی یعنی "علم تغییر" نیز پرداخته شود چرا که آینده‌پژوهی، موجودیت در حال تکامل خود را مدیون پدیده‌ای به نام "تغییر" است. از قرن هجدهم به بعد، جهان شاهد شکل‌گیری انقلاب صنعتی و اوج‌گیری آن در قرن بیستم بود. تغییراتی به

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از طریق توصیف و تفسیر مؤلفه‌های نئولیبرالیسم و آینده‌پژوهی در دامنه چپستی حفاظت نوین، مخاطب می‌تواند همه مؤلفه‌ها را در یک صحنه نظاره‌گر باشد و به شکل جامع‌تری، حفاظت از میراث را درک کند.



دستاوردهای پژوهش بر مبنای پرسش آغازین و بررسی منابع ارجاع داده شده در متن، در پاراگراف‌های زیر ارائه شده است:

- ضرورت حفاظت از میراث در جوامع علاوه بر شعارهای ارزشی، نیازمند ایجاد شرایط یا عملکردی است تا میراث و جامعه به نیازهای یکدیگر پاسخ دهند و گفتگویی بین آن‌ها شکل گیرد. گفتمان میراث و جامعه که در درون آن، مؤلفه حفاظت جریان می‌یابد. بر این مبنای، مفهوم حفاظت از چارچوب سنتی خود خارج می‌شود و در برابر، پاسخگوی چالش‌ها می‌گردد؛ چالشی مانند تأثیرات نامطلوب نئولیبرالیسم در فضای شهرها.
- نئولیبرالیسم طی چند دهه، حفاظت از میراث معماری و شهری را تحت الشعاع رویکرد اقتصادی خود قرار داده است. کشورهای روبه توسعه در حال تخریب منظر تاریخی شهرها هستند. البته پیش از این، برخی از شهرها در کشورهای توسعه یافته اروپایی نیز درگیر این توسعه ویرانگر بوده‌اند، از پاریس نیمه قرن نوزدهم تا وین اوایل قرن بیست و یکم که همچنان درگیر است. نئولیبرالیسم در نیم قرن گذشته با ساختن برج‌ها و سازه‌های عظیم در حریم میراث تاریخی، به شکلی ویرانگر در تخریب مناظر شهری تاریخی کوشیده‌اند. مانند آنچه در شهرهایی مانند اصفهان و کاشان در ایران، سمرقند در ازبکستان، و وین در اتریش و برخی دیگر از شهرهای تاریخی اتفاق افتاده است. برنامه‌ریزی آینده‌نگارانه در راستای کاهش تأثیرات منفی نئولیبرالیسم می‌تواند تأثیرات مثبت از خود بر فضای شهری باقی گذارد.
- معمار - حفاظت‌گران علاوه بر چشم‌انداز تاریخی با رویکردی آینده‌نگارانه نیز عوامل تغییر را در جوامع بررسی می‌کنند و در طرح‌های حفاظتی خود به عنوان یک متغیر مهم تأثیرگذار، مورد نظر قرار می‌دهند. مؤلفه مدیریت تغییر، هم ضرورت حفاظت و هم ضرورت آینده‌پژوهی است. مدیریت تغییر، اجرای فرایند برنامه‌ریزی تغییرات در دنیای حفاظت است. سرعت تغییر بسیار زیاد است لذا به بحث مدیریت نیاز دارد. مانند سرعت گذشت زمان که اگر مدیریت نشود، بی‌بهره از دست خواهد رفت. به عبارتی هدف از مدیریت تغییر، اجرای استراتژی‌هایی برای اعمال و کنترل تغییر در راستای گذر سریع زمان است.
- قانون ضمانت اجرایی برای پیروی کردن از پلان مدیریتی حاصل از استراتژی آینده‌پژوهی، تدوین شده است.
- و اما تداوم این پژوهش، پرداختن به چگونگی نقش آینده‌پژوهی در سطوح مختلف مناظر شهرهای تاریخی در مکان‌های مختلف جغرافیایی است. همان‌طور که بخش‌هایی از بافت تاریخی شهرهای یزد و تبریز بر مبنای مقالات معرفی شده در پیشینه پژوهش مورد مطالعه آینده پژوهی قرار گرفته‌اند، دیگر بافت‌های تاریخی و مناظر شهرهای تاریخی نیز باید از آینده‌پژوهی و مدیریت تغییر، سهم ببرند.

پی‌نوشت

1. Theophilo
2. Conservation
3. Neoliberalism economy

۴. «مرزبندی میان غرب و شرق یک مرزبندی فرهنگی است و نه جغرافیایی، چراکه کشوری چون استرالیا، غربی به شمار می‌آید و کشورهای اسلامی باین که از شمال آفریقا تا اندونزی گسترده شده‌اند شرقی محسوب می‌شوند، و یا روسیه برای اروپا، شرقی و برای کشورهای اسلامی، غربی دانسته می‌شود.» (هوشیاری، ۱۳۹۹ به نقل از: Mestrovic, ۲۰۰۴). دنیای غرب به باور هانتینگتون و برخی دیگر دربردارنده اروپا، آمریکای شمالی و استرالیا و زلاندنو است. آمریکای لاتین نیز گاهی در دنیای غرب لحاظ شده و گاهی جدا از آن با ویژگی‌های خاص خود در نظر گرفته می‌شود (Kurth 2003/2004; Huntigton, 2007). دنیای غرب با واژه اوکسیدنت (Occident) نیز شناخته می‌شود که در برابر واژه اورینت (Orient) به مفهوم دنیای شرق است، که بیشتر شامل آسیا می‌شود (هوشیاری، ۱۳۹۹ به نقل از آشوری، ۱۳۵۳). مجموعه «عرب و اسلام» نیز به مدت هزار سال به معنای مشرق زمین قلمداد می‌شد (سعید، ۱۳۸۶: ۴۰). ادوارد سعید ارائه‌کننده نظریه شرق‌شناسی نیز اورینت و اوکسیدنت را یک مفهوم صرف اقتصادی نمی‌دانست. ژاپن از این نظر نمونه خوبی است، چراکه این کشور از نظر اقتصادی، بخشی از غرب به شمار می‌آید، اما از نظر فرهنگی در مشرق زمین جای دارد. ضمن اینکه، اقتصاد و توسعه و مدرنیته را از مشخصه‌های غرب می‌دانند و ویژگی‌های فرهنگی، سنت و ارزش‌های اجتماعی خاص را از مشخصه‌های شرق (هوشیاری، ۱۳۹۹ به نقل از Mionel, 2017).

5. Zero point of conservation
6. Preservation



۷. واژه "مرمت" (Restoration) جنجال برانگیز بوده و هست. تعیین تعاریف علمی برای واژه "مرمت"، از نیمه دوم قرن نوزدهم م. تا توصیف آن در بند ۹ آیین‌نامه ونیز در ۱۹۶۴، به این واژه مفهومی سنگین بخشیده است. پروفیسور فیلدن مرمت را خواناسازی و یکپارچه‌سازی اثر معماری بر پایه احترام به مواد اصلی، طرح اصلی و اسناد باستان‌شناختی می‌داند (فیلدن، ۱۳۹۴: ۲۷). برداشت‌ها از "مرمت" متفاوت است؛ در شرق نگاه مرمتگران در اکثر مواقع گویای چیز دیگری بوده و هست؛ آن قدر متفاوت که مفهوم مرمت را دگرگون می‌سازد. مرمت نه فقط برای حفظ اثر بلکه بیشتر به دلیل حفظ سنت ساخت اثر در بسیاری از کشورها رواج دارد. در چنین حالتی، چگونه می‌توان یک توصیف عملیاتی یکسان برای مرمت در تمامی سرزمین‌ها ارائه داد؟ مفهوم مرمت در بناها و بافت‌های تاریخی، جای خود را به بازسازی (Reconstruction) کامل و حتی نوسازی (Renovation) داده است. متأسفانه در بسیاری از موارد، عملیات بازسازی بر مبنای سلاقی غیر تخصصی کارفرمایان یا پیمانکاران انجام می‌شود که فاقد پشتوانه علمی و فلسفی است. بازسازی در مجموعه حفاظت قرار دارد و دارای دستورالعملی است که وقتی رعایت نشود، بقایای معماری اولیه نیز مخدوش و غیر خوانا می‌شود و در نهایت، هویت معماری معدوم می‌گردد. پروفیسور فیلدن در توصیف فرایند بازسازی می‌نویسد: بازسازی مانند مرمت باید بر پایه دلیل و مستندات درست انجام شود و هرگز بر اساس حدس و گمان نباشد (فیلدن، ۱۳۹۴: ۲۹).

8. Anastylis
9. Reconstruction
10. Revitalization
11. Chang use
12. Bura charter (1979 – 1999)

13. John Ruskin (1819-1900) فیلسوف و نظریه پرداز هنر، معماری و مرمت قرن ۱۹ انگلستان
14. William Morris (1834-1896)
15. Gustavo Giovannoni (1873 - 1947)
16. Georg Gottfried Julius Dehio (1850 – 1932)
17. Eclecticism

التقاط گرایی

۱۸. Imaginative reconstruction ساخت یک بنا بر روی ویرانه‌های یک اثر قدیمی که مستندات کافی از آن در دست نیست را چه می‌توان نامید؟ جعلی زیبا و فریبنده برای معماری تاریخی! این عمل را نمی‌توان مرمت و بازسازی تاریخی نامید بلکه می‌توان به آن لقب "بازسازی خیال پردازانه" داد. البته هیچ جایگاهی برای آن در دامنه حفاظت تعریف نشده است چون حفاظت، امری به دور از خیال پردازی است.

19. Capitalism
20. Neoliberalism Conservation
21. Viollet-le- Duc (1818-1879)
22. Historical Urban Landscape (HUL)
23. Alois Riegl
24. Futures study (Futurology)

نظریه پرداز حفاظت اهل اتریش

فهرست منابع

- باندیرین، فرانچسکو و ون اوترز، رون (۱۳۹۸). **منظر شهری تاریخی، مدیریت میراث در قرن شهری**. ترجمه پرستو عشرتی و همکاران، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- بحرینی، حسین (۱۳۷۷). **فرایند طراحی شهری**. تهران: دانشگاه تهران.
- پدرام، بهنام و قاسمیه، سارا (۱۴۰۱). **مبانی نظری و قوانین حفاظت از میراث معماری در فضا و منظر شهر تاریخی از نیمه قرن ۱۹ تا پایان دهه دوم قرن ۲۱**. طرح پژوهشی، بر مبنای قرارداد شماره ۱۴۰۰/۶۰/۷۹۹۵ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۵، اصفهان: معاونت پژوهشی دانشگاه هنر اصفهان.
- پدرام، بهنام و هوشیاری، مهدی (۱۴۰۲). **بیانیه‌ها و منشورهای ایکوموس**. ویراست دوم، اصفهان: جهاد دانشگاهی، دانشگاه هنر اصفهان، و نقش مانا.
- پورقربان، عادل؛ ارغان، عباس و کرکه‌آبادی، زینب (۱۴۰۱). **آینده پژوهی مدیریت بافت‌های باارزش تاریخی**. چشم‌انداز شهرهای آینده، دوره سوم، ش (۴): ۴۳-۶۴.
- حاتمی‌نژاد، حسین و فرجی ملائی، امین (۱۳۹۲). **نئولیبرالیسم و تأثیر آن بر فضای شهری (مطالعه موردی: شهرهای انگلستان)**. اطلاعات جغرافیایی سپهر، ش (۸۵): ۲۴ – ۱۸.



- حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۱). مرمت شهری. چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
- خزایی، سعید و محمودزاده، امیر (۱۳۹۲). آینده‌پژوهی. چاپ چهارم، تهران: علم‌آفرین.
- ریاحی‌مقدم، ساشا (۱۳۹۱). بیانییه وین در مورد «میراث جهانی و معماری معاصر- مدیریت منظر شهری تاریخی». نشریه منظر، ش (۱۸): ۲۰-۲۳.
- ریتساریف کا. و. و شنکف آ.اس. (۱۳۹۴). اندیشه‌های اروپایی مرمت در دهه‌های ۱۹۸۰-۱۹۴۰. ترجمه دل آرام صفری و بهنام پدram، اصفهان: نقش مانا.
- زیاری، کرامت‌الله و همکاران (۱۳۹۵). آینده‌پژوهی. تهران: دانشگاه تهران (نسخه دیجیتالی فیدیبو).
- سعید، ادوارد (۱۳۸۶). شرق‌شناسی. ترجمه لطفعلی خنجی، تهران: امیرکبیر.
- سلاورزی‌زاده، محمد؛ شیخی، حجت و گلدوستی، زینب (۱۴۰۰). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه شهری با رویکرد آینده‌نگاری. پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی، دوره ۵۳، ش (۴): ۱۵۰۸-۱۴۹۱.
- سلیمانی، رضا (۱۳۸۵). اقتصاد سیاسی کارکرد نو محافظه‌کاران در آمریکا. ماهنامه/اقتصادی-سیاسی، سال چهارم، ش (۱۳۸۵): ۱۶۸-۱۷۸.
- علیزاده، آریتا و خان‌محمدی، نیره (۱۳۹۲). توصیه‌نامه منظر شهری تاریخی. نشریه/ثر، ش (۶۳): ۸۵-۶۹.
- فصیحی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). جهانی شدن و نابرابری در جوامع شهر و جنوب شرق آسیا. فصلنامه/اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال شانزدهم، ش (۱۶۹-۱۷۰): ۱۷۸-۱۹۱.
- فیلدن، سر برنارد (۱۳۹۸). حفاظت از بناهای تاریخی. ترجمه مهدی هوشیاری، چاپ دوم، تهران: طحان.
- قلعه‌نویی، محمود؛ دلاکه، حسن و ثمره محسن‌بیگی، حسین (۱۳۹۶). سنجش کیفیت منظر مسیرهای پیاده با استفاده از تکنیک یادداشت‌برداری و تحلیل عناصر بصری منظر. مرمت و معماری/ایران، سال هفتم، ش (۱۴): ۱۵۱-۱۳۹.
- ماهان، امین و منصوری، امیر (۱۳۹۶). مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف. نشریه باغ نظر، سال چهاردهم، ش (۴۷): ۲۸-۱۷.
- محرابی، محراب؛ انصاری، مجید و رفیعیان، محسن (۱۴۰۲). آینده‌پژوهی بافت تاریخی شهر یزد بر پیشران‌های پایداری میراث جهانی. نشریه پایداری شهری، دوره دوازدهم، ش (۴۶): ۱۸۹-۱۰۲.
- محمدی، حمید و بهبودی سعدآبادی، میلاد (۱۴۰۰). کاربرست آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی حفاظتی بافت تاریخی. نشریه پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دوره نهم، ش (۲): ۴۳۷-۴۱۷.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری. ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری) وابسته به شهرداری تهران .
- منصوری، امیر (۱۳۸۹). چیستی منظر شهری. منظر، ش (۹): ۳۳-۳۰.
- هاروی، دیوید (۱۳۸۶). تاریخ مختصر نئولیبرالیسم. ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: اختران.
- هوشیاری، مهدی (۱۳۹۹). سنت تعمیرات معماری در دوره معاصر ایران از منظر تطابق با اصول جهانی حفاظت. رساله دکتری مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، اصفهان: دانشگاه هنر اصفهان.
- هوشیاری، مهدی؛ پدram، بهنام و زمانی فرد، علی (۱۴۰۱). رویکرد سنتی حفاظت معماری در مشرق زمین؛ نشریه معماری و شهرسازی ایران؛ دوره ۱۳. شماره ۱. صفحات ۳۵۴-۳۳۹.
- یوکیلهتو. یوکا (۱۳۸۷). تاریخ حفاظت معماری. ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری، تهران: روزنه، و میراث فرهنگی.
- Bibri, S. E. (2020). A methodological framework for futures studies: integrating normative back casting approaches and descriptive case study design for strategic data-driven smart sustainable city planning. Energy Informatics, 3(1), 1-42.
- Cooke, Louise. 2008. Approaches to the Conservation and Management of Earthen Architecture in Archeological Contexts. PhD Thesis. London University College.



- Glendinning, Miles. 2013. *The Conservation Movement: A History of Architectural Preservation: Antiquity to Modernity*. Routledge.
- Huntington, Samuel. P. (2007). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. Simon and Schuster.
- Jokilehto, J. (2015). What is modern conservation? Some thoughts about the evolution of modern conservation policies. *Conversations Paul Philipot*, No. 1, pp. 29 – 38.
- Kurth, J. (2003/2004). Western Civilization, Our Tradition. *The Intercollegiate Review*. 39(1-2):5-13
- Loes Veldpaus, Ana R. Pereira Roders, and Bernard J. F. Colenbrander. (2013). Urban Heritage: Putting the Past into the Future. *the historic environment*, Vol. 4 No. 1, April 2013, 3–18.
- Mestrovic, Stejpan. 2004. *The Balkanization of the West: The Confluence of Post modernism and Post communism*. Routledge.
- Mionel, Viorel. 2017. Orient and Occident – Perceptual and Complementary Macro-Regions. The Market for Ideas. <http://www.themarketforideas.com/orient-and-occident-perceptual-and-complementary-macro-regions-a331/>
- UNESCO World Heritage Center (2011). Recommendation on the Historic Urban Landscape, adopted by the General Conference at its 36th Session, Paris, 10 November 2011.
- UNESCO report on the Joint High level UNESCO World Heritage Age Center ICOMOS Advisory Mission to Historic of Vienna, Austria; from 11 to 15 November, 2018.
- www.irna.ir (Accessed:23 Sep. 2024) خبرگزاری ایرنا
- www.mehrnews.com (Accessed:23 Sep. 2024) خبرگزاری مهر نیوز
- www.soraya.news (Accessed:20 Oct. 2024) خبرگزاری ثریا
- www.samair.ir (Accessed:20 Oct. 2024) خبرگزاری صمانیوز



Received: 2024/08/04

Accepted: 2025/01/27

“Recognition of the Role of Neoliberalism Components and Future Studies in the New Conservation Approach to Architectural Heritage and Historic Cities’ Landscapes”

Behnam Pedram*

Abstract

Practical components in the world of heritage conservation should be reconsidered based on new approaches conceptually; as evidence shows that developing countries are heavily disturbing the historical landscapes of cities; however, advanced cities are not exempt from this issue. Neoliberalism in the past half-century has attempted to destroy historical urban landscapes by erecting structures within the cultural landscape zones, thus it is necessary for architectural conservationists to examine the factors of change in societies with a futuristic approach and consider them as an important influencing variable in their conservation plans. The article has a review-conceptual approach and benefits from qualitative analysis. This article is not seeking to develop case studies, but rather aims to develop and update the concepts of some influential components such as the role of the destructive aspect of neoliberalism on the process of preserving architectural and urban heritage, and the hopeful impact of interdisciplinary future studies in controlling the penetration of neoliberalism in the near and distant future. The main objective addressed in this article is the essence of modern conservation of architectural heritage and urban landscapes simultaneously with the penetration of neoliberalism in conservation and the role of future-oriented strategies in conservation management. Based on this objective, the article seeks to answer these questions: What have been the effects of coexistence of modern conservation with the penetration of neoliberalism in the conservation of architectural heritage and historical urban landscapes? And how should the impacts of this coexistence be managed in the future? In order to answer the question posed, components with negative impacts such as neoliberalism and components with positive impacts such as future studies and modern conservation as influential factors in the essence of conservation of historical urban landscapes have been identified and redefined, creating a more comprehensive understanding of “heritage conservation.” These components are essential for a deep understanding of the subject of conservation. At a time when neoliberalism has become more economically focused than ever on conservation, the way to escape further penetration is to have a future-oriented strategy.

Keywords: Nature of modern heritage conservation; Historical urban landscapes; Neoliberal conservation; Futurology.

* Associate Professor, Department of Conservation and Revitalization of Historic Buildings and Sites, Faculty of Conservation, Art University of Esfahan (Corresponding Author).
b.pedram@aui.ac.ir